

آينه



عده‌ای بی‌کار وارد عرصه فرهنگ شده‌اند

● **حجت‌الاسلام مرتضی مداح:** ما بعد از انقلاب هزینه‌های فراوانی برای فرهنگ کردیم ولی نتیجه‌ای نگرفتیم. این‌همه سازمان فرهنگی داریم چرا باید مشکل وجود داشته باشد؟ فرهنگ ما دولتی شده است و باید رویه را عوض کرده و دولت‌ها را فرهنگی کنیم. این رویکرد سبب شد تا مسئولان رده‌بالای کشور در این سال‌های اخیر اظهاراتی را بیان کنند و آن جایگاه خاص را زیر سؤال برده و ضربه بزنند. مردم ما از فرهنگ دینی و ملی خود می‌توانند بهره ببرند که تاثیر این رفتار در بیرون و گاهی درون بی تاثیر نبوده است... بسیاری از دستگاه‌های فرهنگی در کشور، غیرانتفاعی است. گاهی افرادی که بی‌کار هستند، با توجه به نیاز شغلی و درآمدی وارد عرصه فرهنگ شده‌اند و فعالیت می‌کنند ولی باید دید این نهادها چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ آیا این هدف در راستای اعتلای فرهنگ کشور است؟ شما توجه کنید در هر مناسبتی بیانات امام خمینی (س) را چاپ و از در و دیوار اویزان کرده و اعلام می‌کنند، فعالیت فرهنگی کرده‌ایم! آیا با این اقدامات فرهنگ کشور درست خواهد شد؟ یا فقط هزینه‌ها بدون تاثیر در فرهنگ دینی ما سنگین می‌شود؟

ایران

مأموریت اعتدالی‌ها در روزگار اول تندروها

عباس عبدی: تا زمانی که مردم به آینده امیدوارند، دستاوردهای دولت نیز پیاور خواهد ماند. باید بدانیم که امید، بی جهت ایجاد نمی‌شود. هرگاه مردم می‌بینند که گامی برداشته می‌شود و امیدی به آینده هست، مطمئن‌مهرای خواهند کرد. اما اگر این امید از بین برود، داستان قدری متفاوت می‌شود. ضمن اینکه توجه داشته باشیم که نمی‌توان امید را با حرف ایجاد کرد، امید از نخبکان به مردم منتقل می‌شود و نخبکان را هم با حرف خالی نمی‌توان فریفت. باوجود این‌ها، معتقدم که هنوز امید هست، اما چندان مطمئن نیستم که اگر در سال ۹۵ اتفاقی نیفتد، کماکان بتوان این امید را زنده نگه داشت. این امید، تا تصویب نهایی برجام، حالت صبر و انتظار داشت، با به‌نتیجه‌رسیدن برجام و انتخابات، دوباره اوج گرفت. طبیعی است که اکنون قدری کاهش یابد، اما با شکل‌گیری مجلس بار دیگر اندکی بالا خواهد رفت. اما پس از آن، اگر اتفاقی نیفتد شیب کاستن از امید زیاد خواهد بود. در این وضعیت اگر اتفاق ملموسی نیفتد، دولت باید سیاست‌های خود را تغییر دهد. دولت بیش از حد بر برجام متمرکز شد و آن را به‌عنوان تنها متغیر اساسی طرح کرد، درحالی‌که در مسائل ایران، برجام یک مانع بود، نه یک متغیر سازنده. به نظرهم باید به متغیرهای سازنده در داخل توجه می‌کرد. کارهای دیگری است که باید انجام داد و دولت باید روی مسائل داخلی متمرکز شود. چندروز پیش لطیفه‌ای خواندم که نشان‌دهنده نقش برجام در حل مسائل ایران بود. یک نفر که انگشتش شکسته و کیج گرفته شده بود، از دکتر پرسید پس از بازشدن کیج می‌توانم پیانو بزنم. دکتر گفت بله. طرف می‌گوید چه خوب قبلا نمی‌توانستم!! حالا حکایت انتظار ما از برجام است. باید زدن پیانو را یاد بگیریم با بازشدن کیج که نمی‌توان پیانو زد. به‌طور طبیعی از این شکاف کاسته می‌شود، اما هنوز از یک نقطه کیفی عبور نکرده. نمی‌شود گفت با آمدن اصلاح طلبان به مجلس این شکاف برطرف شده است، بلکه می‌توان گفت زمینه برای برطرف‌شدن آن فراهم شده است، اما لزوما برطرف نشده است. چنانچه وضعیت رئیس دولت اصلاحات با محصوران را می‌بینیم. طرفین باید به تفاهمی برسند و آن را حل کنند. دولت تنها می‌تواند کاتالیزور باشد و این فرایند را تسریع کند.

گیم‌ان

گرش بینینی و دست از ترنج بشناسی...

حسین شرعتمداری: کانون اصلی اسلام ارتجاعی و اسلام آمریکایی طی چند دهه اخیر اگرچه «وهابیت» بوده است ولی متأسفانه در دوران طاغوت و مخصوصا بعد از دو نهضت تنباکو و ملی‌شدن صنعت نفت، به‌تدریج ردپای هر دو شاخه یادشده به ایران نیز کشیده شده بود که با پیروزی انقلاب اسلامی برای مدتی به حاشیه رفت اما امروزه شاهد حرکت مرموز و خزنده هر دو شاخه مورد اشاره هستیم. دو شاخه‌ای که در یک نقطه به هم رسیده و حلیه آموزه‌های انقلاب اسلامی و اسلام ناب محمدی (ص) با هم گره خورده‌اند و هر دو به‌گونه‌ای غیرقابل‌انکار از یک کانون بیرونی تغذیه می‌شوند. جریان آلوده‌ای که فتنه ۸۸ را رقم زد و امروزه گشایش اقتصادی و رفع همه مشکلات را در هم‌راهی با آمریکا جست‌وجو می‌کند در بستر اسلام آمریکایی قابل‌تعریف است. این جریان، ایستادگی در مقابل باج‌خواهی دشمنان بیرونی و مخصوصا آمریکا را «تنش آفرینی»؛ و دفاع از منافع ملی را «تندروی» و «افراطی‌گری» می‌داند... و از طریق رسانه‌هایی که با سخاوتمندی - البته غیرقابل توجه - نظام در اختیار دارد و پشتیبانی سیاسی و رسانه‌ای دشمن به برک‌کردن چهره نفرت‌انگیز و خون‌ریز آمریکا مشغول است.

عراق

عراق

عراق

عراق

عراق

عراق

عراق

عراق

عراق

نوشтары منتشرنشده از شهيد محمدحسين بهشتي
از سلسله درسگفتارهای تفسیری در مکتب قرآن که در مرحله آماده‌سازی و انتشار قرار دارد برای چاپ در اختیار روزنامه گذاشته شده است.

سوره آل عمران: آیات ۸-۱۶:

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۸﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنُتَقِّيَنَّ عَنْهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ ﴿۱۰﴾ كَذَابُ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱۱﴾ قُلِ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْيُكُمُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۱۲﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الثَّقَاتِ فَتَهُ تَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُوَدُّ بَصِيرَهُ مَن يَمُا: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِزَّةَ لَأُولَى الْأَبْصَارِ ﴿۱۳﴾ زَيْنَ لِّلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِّنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفَنَاءِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُشْنُ الْقَبَآءِ ﴿۱۴﴾ قُلْ أَوَلَيْكُمْ بَخِرٌ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرَىٰ مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَوْزَاجٌ مِّثْلَهُمْ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ نَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿۱۵﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَتَيْنَا فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفَآءًا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۶﴾

ای خدای ما، دل‌های ما را بعد از آنکه ما را به راه آوردی دچار انحراف مساز و از جانب خود بر ما رحمت ارزانی دار که بخشنده تویی تسو ای خدای ما، تو مردم را در روزی که در آن کمترین شکی وجود ندارد گرد می‌آوری، خدای، خلف وعده ندارد. آنها که به راه کفر رفت‌اند دارایی و فرزندانشان نمی‌توانند برای آنها کمترین بی‌نیازی از خدا به وجود آورند، آنها سوخت آتش دوزخ‌اند. درست به همان شیوه خاندان فرعون و کسانی که پیش از آنها بودند و نشانه‌های ما در دروغ پنداشتند، خدا هم به کیفر گناهانشان آنها را در دایره عذابش فرو گرفت و خدا سخت کفر است. به کافران بگو به‌روزی که بر شما پیروز می‌شود و در دوزخ جمع‌آوری می‌شود و دوزخ برای شما چه بد بستری است. برای شما نشانه‌ای بود در دو گروهی که با یکدیگر برخورد کردند. یکی گروهی که در راه خدا پیکار می‌کنند و دیگری کافران هستند. آنها دشمنان در دوبرابر خود می‌دیدند. ولی خدا با یاری‌ها هر که را بخواهد کمک می‌دهد، که در این کار مایل به اعتبار و پندآموزی برای بنیایان است. عشق و علاقه به خواسته‌ها، زن، پسران، قدرت، توده‌های انبوه از طلا و نقره، اسب‌های نشان‌دار، چهارپایان، زمین‌های زراعتی، اینها همه بهره این زندگی دنیاست، ولی سرانجام و بازگشت نیک پیش خداست. بگو به شما خبر دهم بهتر از این چیست؟ برای مردم بافتوا بیاورید و به باغ‌هایی است که بر بسترش نهرها روان است و در آن جاودانه می‌ماند. به‌همراه همسرانی پاک و خشنودی خدا و خدا به کار بندگانش بیناست. آنها که می‌گویند ای خدای ما، ما ایمان آوردیم، از گناهانمان درگذر و ما را از آتش شکنجه دوزخ دور نگه دار؛ آن شکیبایان، آن راستان، آن فرمانبران، آن کسانی که در راه خدا خرج می‌کنند و آنها که سحرگاهان به استغفار و طلب مغفرت می‌پردازند.

عوامل انحراف انسان‌های هدایت‌شده

به مناسبت، آیه کریمه (رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ) که معنای مستقیم آن این است: «ای خدای ما، پس آنکه ما را به راه آوردی، دل‌های ما را دچار انحراف مکن»، این بحث پیش آمد که مگر می‌شود انسان، هدایت بشود، خدا او را به راه بیاورد و با این حال قلبا دلش دچار انحراف شود؟ توضیح داده شد که به‌، انسان ممکن است این توفیق نصیبش شود که به راه بیاید و بعد دچار انحراف شود.

توجه این مطلب از دو طریق ممکن است: یکی آنکه (هفته قبل توضیح داده شد) اگر انسان به راه بیاید و هیچ چیز تازه‌ای پیش نیاید، همین که هیچ چیز تازه‌ای پیش نیاید، انسان‌های در راه را دچار تحجر و فرورفتن در آن حالتی که هستند می‌کنند. سیر تکاملی آنها را متوقف می‌کند و وقتی انسان در این دنیای متحرک، در یک مرحله متوقف شد، فردای توقف، نخستین روز عقب‌ماندگی است.

با یک گروه، همسفر و همراه هستیید. مقداری از راه را با هم می‌روید، بعد شما می‌ایستید، بقیه افراد به راهشان ادامه می‌دهند. روز بعد از ایستادن اگر بخواهید حالت خودتان را نسبت به آنها بیان کنید، باید بگویید: من نسبت به آنها عقب‌مانده هستم. تا دیروز عقب‌مانده نبودید، ولی امروز عقب‌مانده می‌شوید. عقب‌ماندگی و انحراف، لازمه‌اش این نیست که انسان از آن راهی که هست بیرون برود، بلکه اگر در همان راه توقف کرد هم دچار عقب‌ماندگی و شاید لغزش، همان انحراف می‌شود. با این بیان، واقعیت تمام امکانات ظاهری برای خوشبخت‌زیستن را داشت، در آفرینش او ویژگی‌هایی به کار رفته بود که با وسوسه شیطان در معرض نافرمانی بود و به دنبال نافرمانی، خطر سقوط وجود داشت. این نافرمانی پیشی آمد و به دنبال آن، سقوط هم پیش آمد. (فَقُلْ نَهَيْتُا)، یعنی بماند و هرگز جت ندارد. پس مقصد و منزلت‌گذاری نبود. درست مثل شخصی در خیابان است که وقتی همه حرکت می‌کنند، او هم حرکت می‌کند. بنابراین کسی بر او خیره نمی‌کیرد. اما اگر آن شخص با ماشین، وسط خیابان توقف کرد، این کار جرم است. درواقع یک نوع انحراف است. برای اینکه راه را به توقف‌ناک، لغزش آدم یک لغزش و تنزل کوچک در راه بماند، تبدیل به توقف‌ناک شده است و باید هتخلان

سیاست

گفتاری منتشرنشده از شهید بهشتی

عوامل انحراف انسان‌های هدایت‌نشده



پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره

پیشانی چهره